



۲۰۱۴/۱۲/۲۷

جليل غنى

ششم جدی سر آغاز ظلمت بی پایان

افغانستان در طول تاریخ پر از نشیب و فراز خود، مثل هر کشور دیگری و شاید هم بیشتر از هر کشور دیگر، با موقعیت ستراتیژیک جغرافیایی، مورد تهاجم کشور گشایان منطقوی و جهانی قرار گرفته است و تاریخ این خطه که زمانی آریانا، در دوره ای خراسان و از اواخر قرن هجدهم به این طرف به نام افغانستان ثبت تاریخ گردیده، مشحون است از جنگ ها، شکست ها، تأسیس امپراتوری ها، اضمحلال حکومت ها، تغییر حدود جغرافیایی، سلطه مهاجمین و شکست آنها. ولی آنچه در طول تاریخ این مرز و بوم تغییری نکرده همانا روحیه آزاد منشی، استقلال طلبی، سلحشوری و شجاعت و پایداری مردمان این سرزمین در برابر تجاوزات بوده است.

در تاریخ معاصر افغانستان تجاوز قشون سرخ اتحاد شوروی سابق در ۲۷ دسمبر سال ۱۹۷۹ سر آغاز بدبختی ها و ظلمتی گردیده که دامنه آن تا کنون ادامه یافته است.

زمینه ساز تجاوز قوای اتحاد شوروی سابق بر افغانستان حزب دیموکراتیک خلق افغانستان بود که با کودتایی به رهبری این حزب و سرنگون ساختن دولت جمهوری تحت زعامت محمد داؤد خان در سال ۱۹۷۶ بر اریکه قدرت تکیه زد.

حزب دیموکراتیک خلق با تصرف قدرت، سیاست خشن و ظالمانه را در برابر ملت افغانستان و آنانی که زحمت کشان می خواند و به نام آنها سال ها رهبران این حزب گلو پاره کرده بودند، اتخاذ نمود. این حزب بدون درک شرایط عینی و ذهنی جامعه و بدون اندک علمیتی از بافت و حیات اجتماعی و جامعه افغانی، در پی تأسیس نظام سوسیالیستی در یک جامعه ابتدائی بود که هنوز بر مبنای تیوری های پیشوایان فلسفه خود شان، مارکس و انگلز، و سردمداران و مدعیان پیشتاز، رهبران و تیوریسن های کشور بزرگ شوروی ها! حتی به مرحله یک جامعه طبقاتی هم نرسیده بود چه رسد به اینکه به مرحله سرمایه داری و تشکیل طبقه کارگر نزدیک شده باشد. این فلسفه و روش و نظام حتی در همان جوامعی که مدعی تعمیم آن بودند و آنرا پیروز قلمداد می کردند هم کارگر نیفتاد و همه شاهد آن بودیم که بعد از هفتاد و پنج سال تجربه تلخ و ناکام به یک بارگی چون ببر کاغذی از هم پاشید و به اصطلاح کمونیستان به زباله دان تاریخ سپرده شد.

ولی ظلمت و خونریزی که پیروان این مکتب، دنباله روان حزب دیموکراتیک خلق در افغانستان آغاز کردند تا امروز ادامه دارد. به این دلیل که با کودتای این حزب و تخریب و از بین بردن شیرازه حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه افغانی از بنیاد، قتل و قتال و خانه جنگی و تحریک هرگونه تعصبات قومی، نژادی، لسانی، سمتی و قبیله‌ای به منظور درهم شکستن اتحاد و همبستگی ملت افغانستان و استحکام قدرت با پیروی از فلسفه ماکیاویلی که تفرقه بینداز و حکومت کن، آتشی بر افروختند که تا امروز خاموش نشده و این عناد ها و نقاضت ها روزی نیست که قربانی نگردد..

با غصب قدرت توسط حزب دیموکراتیک خلق مقاومت مردم افغانستان پس از اندکی با شناختی که ملت از این حزب داشت، آهسته آهسته در برابر حکومت و کشت و کشتار های هزاران بی گناه زیر هر عنوانی به نام غیر حزبی، اشرار، اخوانی، مخالف حکومت، و فرامین نه گانه نور محمد تره کی شکل می گرفت و با اهانتی که این حزب بر اعتقادات، عنعنات، فرهنگ و ترکیب اجتماعی روا می داشت روز تا روز مقاومت تقویه می یافت و به همان پیمانه شدت عمل حکومت هم افزایش یافت و بمبارد مان ها، کشتار ها، زندانی کردن ها، شکنجه دادن ها افزایش می یافت و هر کسی که حتی در سخن رانی های اعضای حزب کف هم نمی زد به نام ضد انقلاب شناخته می شد و به زندان می رفت و شاید هم دیگر هرگز بر نمی گشت.

مایه نگرانی است که هنوز هم برخی از اعضای این حزب یا در دستگاه دولت و یا هم در ائتلاف های گروه های مطرح سیاسی خود را جا زده اند تا در سر نوشت آینده کشور برای خود جای پایی کمائی کرده باشند. شمولیت اعضای شناخته شده و کرسی نشینان دوران حکومت آنها در هر گونه تصمیم گیری های سر نوشت ساز نه تنها آنها را بر انت نخواهد نداد بلکه صداقت مؤتلفین را نیز زیر سؤال خواهد برد.

با تغییر رهبری حزب و دولت از نور محمد تره کی به حفیظ الله امین و خفه نمودن استاد توسط شاگرد وفادارش، خفقان اجتماعی و اختناق به حدی رسید که دیگر این ملت بلا کشیده تحمل آنرا نداشت و رهبری اتحاد شوروی هم که یگانه حامی این حکومت بود در پی آوردن تغییری به منظور آوردن آرامش نسبی گردید و چه کسی بهتر از ببرک کارمل بود که یکی از سر سپردگان و وفادار ترین ها به حزب کمونیست شوروی بوده و در کشمکش ها و اختلافات درون حزب دیموکراتیک خلق از عهده های دولتی عزل و به حیث سفیر تبعید شده بود و در یکی از اقمار اتحاد شوروی بسر می برد.

برای به کرسی نشاندن ببرک کارمل نخست اتحاد شوروی قطعات نظامی اش را گویا برای دفاع از حکومت در برابر قیام مردم به افغانستان اعزام و این کشور را اشغال کرد. این قطعات طی عملیاتی حفیظ الله امین را در تپه تاج بیک، اقامتگاه او، با عده ای از همکاران نزدیکش مسموم نمودند و بعد بنا به ادعا هایی او را به سفارت اتحاد شوروی برده و نخست زبانش را بریدند و بعد او را کشتند.

از ساعت چهار عصر همان روز بیست و هفتم دسمبر ۱۹۷۹ مطابق به ششم جدی ۱۳۵۸ هجری شمسی صدای توپ و تفنگ و پرواز طیارات نظامی فضای کابل را پر کرده بود. ساعت هفت و چهارده دقیقه شام همان روز ببرک کارمل از رادیو تاشکند مرکز ازبکستان روی موج متوسط بیانیه اش را خطاب به مردم افغانستان ایراد کرد و سرنگونی حکومت امین غدار و نجات مردم را از ستم بیکران و مظالم این خونخوار، مزده داد و ادعا داشت که از رادیو افغانستان صحبت می کند در حالیکه در همان دقایق رادیو افغانستان نغمه و موسیقی پخش می کرد.

با رویکار شدن ببرک کارمل دروازه زندان ها باز شد و همه اعضای جناح پرچم حزب دیموکراتیک خلق که در وقت تره کی و امین زندانی شدند همراه با تعدادی از غیر حزبی ها آزاد گردیدند. سختگیری ها اندکی کاهش ولی تسلط روس ها افزایش یافت و اداره تمام دفاتر در دست مشاورین روس بود.

این تجاوز باعث آن گردید تا ملت غیور و آزادی دوست افغانستان منسجم تر، منظم تر، مصمم تر و متعهد تر در برابر تجاوز آشکار و بی رحمانه قوای اتحاد شوروی مبارزات آزادی خواهی خود را شدت بخشد. شدت این مبارزات به معنی شدت عمل قوای اشغالگر بود. برای مدت ده سال ملت افغانستان جانبازان به این مقاومت ادامه داد تا سر انجام قوای اشغالگر را در ۱۹۸۹ مجبور به ترک افغانستان ساخت و در پانزدهم فیبروری بوریس گروموف آخرین فرد نظامی و قوماندان قوای اتحاد شوروی پل حیرتان را عبور کرد و از افغانستان خارج شد. وی برای سی ثانیه در وسط پل ایستاد و با خود چیزی گفت که جز او هیچ کس دیگری ندانست و هرگز به عقب نگاه نکرد.

ولی طی همین مدت از ابتدای تسلط حزب دیموکراتیک خلق تا سقوط حکومت نجیب الله آخرین حکمران این حزب، ملت در حدود یک و نیم میلیون شهید برای بدست آوردن آزادی خود تقدیم کرد. پنج میلیون دیگر مجبور به ترک خانه و کاشانه شده و به سر تا سر جهان، بیشتر در کشورهای پاکستان و ایران پناهنده شدند.

همسایگان بد اندیش هم با استفاده از موقع در صدد تشکیل گروه هایی برای تأمین منافع نامشروع شان در افغانستان آینده شدند. اکثریت این گروه ها بر مبنای تعلقات مذهبی، عرقی و نژادی، قومی و منطقوی تشکل داده شدند تا از آنها در مواقع لازم استفاده شده بتواند. اینکه بعد از خروج قوای شوروی از افغانستان چه وقایع دلخراش و ویرانگر دیگری رخ داد بحثی است جداگانه ولی تأثیرات همین اشغال و تفرقه اندازی ها بود که اتحاد و همبستگی و حس هم نوعی و هم وطنی بین اقشار و اقوام مختلف افغانستان را از هم گسست و دامنه این خونریزی ها تا امروز ادامه دارد.

در شکست قشون سرخ نه تنها آنانی که در سنگرهای گرم قرار داشتند بلکه تمام اقشار و از هر قوم و نژاد و سمت و منطقه و لسان و مذهب درین جهاد و مبارزه آزادی خواهی به اندازه توان شان سهم بودند از اطفال مکتب ابتدائی تا محصلین پوهنتون ها، از دکانداران و کسبه کاران تا دهقانان و صنعتگران، از کارمندان خورد رتبه دولت تا مامورین عالی رتبه غیر حزبی. هر یک به نحوی درین مبارزه سهم بوده است. شهدای راه آزادی شامل همه اقشار جامعه از همه مناطق افغانستان از پیر تا جوان و از زن تا مرد است. به خاطر دارم که چند ماهی از تجاوز قشون سرخ گذشته بود که روزی مظاهره دختران مکتب از مقابل دفتر کار ما می گذشت. مشاور روس درین دفتر سیلیاکوف مرد کهن سال و با تجربه بود و از من سؤال کرد که این مظاهرات چه وقت پایان می یابد؟ گفتم زمانی که شما اینجا را ترک گوئید. گفت این را می دانم ولی حیثیت بین المللی ما مطرح است.

گفتم چرا پس آمدید؟ گفت ارزیابی غلط منجر به این تصمیم رهبری حزب کمونیست شد و کسی که این ارزیابی را کرده بود که از ما استقبال می شود اعدام شد. پرسیدم پوزانوف سفیر شما؟ گفت بلی. این خاطره را برای آن یاد آور شدم که روس ها هم خود شان دانسته بودند که اشتباه بزرگی کردند و حتی سفیر شان در کابل الکساندر میخالویچ پوزانوف را که شیخ السفراء هم بود اعدام کردند. ولی دیگر دیر شده بود. از این تجاوز و خونریزی ها و شهادت یک و نیم ملیون افغان آزادی دوست و قهرمانان واقعی ملت غیور افغان سی و پنج سال می گذرد ولی خاطره تلخ این تجاوز، صدمه عظیمی که حزب دیموکراتیک خلق و تجاوز قوای اتحاد شوروی سابق بر پیکر اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، عقیدتی و مناسبات بین فرقه های مختلف اجتماعی افغانستان وارد کرده هنوز باقیست و باقی خواهد ماند. در تاریخ افغانستان شاهان و امیرانی به کمک اجنبی ها و قوای خارجی به قدرت رسانیده شده اند ولی هیچ یکی را به سرسپردگی رهبران حزب دیموکراتیک خلق، بخصوص ببرک کارمل به ولینعمت شان، کشور بزرگ شوری ها! نمی توان یافت و هیچ قشونی به پیمانۀ قشون سرخ اتحاد شوروی خون ملت با شهامت افغان را نریخته است.

یاد همه شهدای راه آزادی گرامی باد
زنده باد افغانستان آزاد و سربلند
پاینده باد ملت با شهامت افغان

پایان

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ